

تأثیر ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی ایران بر سیاسی شدن شیعیان عربستان

سیدابراهیم قلی‌زاده/ دانشیار دانشگاه امام حسین علیه السلام

هادی بادینلو/ کارشناس ارشد جغرافیای نظامی دانشگاه امام حسین علیه السلام

چکیده

یکی از رخدادهای بزرگ نیمه دوم قرن بیستم، وقوع انقلاب اسلامی در ایران به رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام بود که تحولات بسیاری را در کشورهای منطقه و ساختار قدرت جهانی ایجاد کرد. یکی از کشورهایی که شیعیان آن پس از انقلاب اسلامی ایران به دنبال نقش‌آفرینی بیشتری در فرایندهای سیاسی جامعه خود هستند، کشور عربستان سعودی است.

شیعیان این کشور - که سومین جمعیت شیعه کشورهای عربی را تشکیل می‌دهند - به دنبال افزایش قدرت سیاسی خود در ساختار حکومت سعودی هستند تا به نابربری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در پایان دهند.

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان عربستان در چهار حوزه هویت‌یابی و خودآگاهی شیعیان، شکل‌گیری یا تقویت سازمان‌های شیعی، رفتارهای سیاسی - عاطفی شیعیان در خصوص انقلاب اسلامی، و نقش‌آفرینی ایشان در ساختار سیاسی قابل بررسی است.

این مقاله می‌کوشد با روش توصیفی تحلیلی و استفاده از اسناد کتابخانه‌ای، مجلات و فضای مجازی، به تبیین ژئوپلیتیکی نقش انقلاب اسلامی بر سیاسی شدن شیعیان عربستان در حوزه‌های یادشده بپردازد و ابعاد آن را مورد مطالعه قرار دهد. **کلیدواژه‌ها:** ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک شیعه، انقلاب اسلامی ایران، شیعیان عربستان.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران تنها نمونه تاریخی قیام یک‌پارچه توده‌های مسلمان در برابر نظام فاسد حاکم بر اساس آرمان‌های دینی بوده است؛ به گونه‌ای که سرانجام در مسیر تحقق نظام اجتماعی اسلام، به تشکیل «حکومت اسلامی» انجامید. در واقع، نمونه منحصر به فرد در تاریخ اسلام و جهان است که از این حیث، نه در سده‌های معاصر و نه پیش از آن، نمی‌توان برای آن مشابه دیگری در نظر گرفت. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ص ۸۳)

انقلاب اسلامی پس از پیروزی، همه تلاش خود را بر مسائل داخلی و ملی متمرکز نکرد؛ بلکه از همان ابتدا به چشم‌اندازهای فرامرزی نیز توجه داشت؛ چراکه جوهره اصلی آن، مسائل دینی، اعتقادی و اسلامی بود و از ویژگی‌های دین اسلام، جهان‌گرایی و داشتن آرمان‌های جهانی است. (حافظ‌نیا و احمدی، ۱۳۸۸، ص ۷۴)

انقلاب ایران با الهام از ایدئولوژی اسلامی، که داعیه‌دار سعادت و خوشبختی تمام جهانیان است، طبیعی بود که نتواند در محدوده جغرافیایی ایران بماند و می‌بایست پیام آن و امواجش، در درجه اول به ملل مسلمان کشورهای همسایه و سپس به همه ملل مستضعف جهان برسد. از این رو، صدور انقلاب، به مفهوم صدور اندیشه و عقاید انقلاب، که برخاسته از دین مبین اسلام بود، از همان روزهای نخست در برنامه کار انقلابیان قرار گرفت. (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۳۵)

انقلاب اسلامی ایران، به دلیل برخورداری از شاخص‌های دینی و مکتبی، به مثابه الگویی برای تلاش‌های ایدئولوژیک در میان دیگر ملل اسلامی مورد ملاحظه قرار گرفت و تحولی عمیق در راهبرد یا شیوه عمل و چگونگی تعیین اهداف آنها ایجاد کرد. حرکت اسلامی در ایران، زمینه این ذهنیت را فراهم آورد که هنوز توان تصور آرمانی فراتر از آنچه در گذشته جنبش‌های دیگر در پیش گرفته بودند و امکان دگرگونی و بازگشت به آنچه «دوران طلایی اسلام» گفته می‌شود، وجود دارد. شاید اعتقاد به همین توانمندی بود که روحیه دیگر جنبش‌های اسلامی متأثر از انقلاب اسلامی را فزونی بخشید. (امرای، ۱۳۸۳، ص ۱۷۸)

جمهوری اسلامی ایران کوشیده است تا انقلاب اسلامی خود را نمونه‌ای از حرکت شجاعانه در مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی به دیگر ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان معرفی کند تا آنان نیز از حقوق خود و شیوه‌دستیابی به آن آگاه شوند. (نوازی، ۱۳۸۸، ص ۵)

اهمیت اصل صدور انقلاب به اندازه‌ای بوده است که در اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به آن تصریح شده است: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد».

افزون بر قانون اساسی، اهداف فرامرزی انقلاب اسلامی ایران در دیدگاه امام خمینی علیه السلام بنیان‌گذار انقلاب، نمایان است. در صحیفه نور چنین آمده است: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست؛ و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم». (خمینی علیه السلام، ۱۳۵۸، ص ۲۶۶)

ایدئولوگ انقلاب اسلامی، حضرت امام علیه السلام، صدور انقلاب را به مفهوم صدور ارزش‌ها و آرمان‌ها و تجربیات اسلامی، همچون استقلال، دستیابی به خصلت‌های انسانی و خودکفایی، حمایت از مستضعفان و رنج‌دیدگان و محرومان، ایجاد عدالت اجتماعی، و نفی اشرافی‌گری و تبعیض و نژادگرایی تعریف کردند.

همچنین در گفته‌های آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر کنونی ایران آمده است: «صدور انقلاب، یعنی صدور فرهنگ انسان‌ساز اسلام و صدور صفا و خلوص و تکیه و اصرار بر ارزش‌های انسانی. ما به این کار و انجام این وظیفه افتخار می‌کنیم. این راه انبیاست و ما این راه را باید ادامه دهیم. (www.Khameneie.ir)

مقام عظمای ولایت، الگوسازی انقلاب اسلامی را یکی از عوامل مؤثر در تحولات بسیار مهم منطقه دانستند و خاطر نشان کردند: «پیروزی انقلاب اسلامی، تشکیل جمهوری اسلامی، ماندگاری، استحکام و پیشرفت‌های چشمگیر و روزافزون نظام اسلامی در زمینه‌های مختلف، به‌عنوان یک الگوی هویت‌بخش و عزت‌آفرین، در

مقابل چشمان ملت‌های مسلمان منطقه قرار دارد و آنها را تحت تأثیر قرار داده است.» (www.Khameneie.ir)

از آنجا که انقلاب اسلامی انقلابی مردمی بوده است، طبیعتاً توجه ملت‌ها را بیشتر به خود جلب کرده و آنها را تحت تأثیر قرار داده است؛ زیرا بیشتر دولت‌های حاکمه شباهت زیادی به رژیم شاهنشاهی دارند. بر این اساس، تأثیرپذیری ملت‌ها به مراتب بیش از دولت‌های حاکمه بوده است؛ زیرا این ملت‌ها به روشنی دریافته بودند که یگانه راه آزادی از یوغ استعمار و استبداد، قیام و انقلاب است. (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۸۳)

انقلاب اسلامی ایران، از بسیاری از ویژگی‌های اسلام در پرتو تشیع بهره گرفت و از اصول انقلابی تشیع، در رشد خود سود جست و بر مسلمانان شیعه جهان، به ویژه شیعیان عربستان، عراق و لبنان، تأثیر محسوسی نهاد. (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۳۶)

نفوذ ایران بر جهان تشیع، اساساً در مناطقی که شیعه دوازده‌امامی‌اند، به طور ویژه شدت دارد؛ زیرا در این مناطق، روحانیت، تشیع دوازده‌امامی را نهادینه کرده است. این امر، با ایرانی شدن روحانیت شیعی مستقر در خارج از ایران روشن می‌شود. نفوذی که امروزه ایران در جهان تشیع دارد، از عوامل مختلفی برخاسته است؛ مانند نقش ایران به منزله یگانه کشور شیعه در جهان؛ گستردگی جغرافیایی آن؛ جمعیت فراوان آن، که دست کم یک سوم شیعیان جهان را دربر می‌گیرد؛ و اهمیت فرهنگی آن. از این رو در پی انقلاب اسلامی، شیعیان در دیگر کشورهای خلیج فارس که اقلیت مهمی را تحت حکومت سنی‌ها تشکیل می‌دهند، جسورانه به اظهار هویت فرقه‌ای خود و برگزاری مراسم عبادی‌شان پرداختند و نارضایتی خود را از حکومت موجود بیان کردند. (www.howzeh.net)

روش تحقیق و گردآوری اطلاعات

در این پژوهش، از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز از اسناد و مدارک مکتوب و نیز از اطلاعات شبکه جهانی اینترنت گردآوری شده است.

فرضیه تحقیق

فرضیه این پژوهش در قالب جمله زیر بیان شده است:
به نظر می‌رسد انقلاب اسلامی ایران باعث رشد و ارتقای سطح فکری و بینش سیاسی شیعیان کشور عربستان شده و در تشکیلاتی شدن آنان نقش داشته است.

مباحث نظری

۱. تعریف انقلاب

در جامعه‌شناسی، انقلاب به معنای یک تغییر ریشه‌ای و بنیانی و عمیق در جامعه و ساخت‌های اجتماعی، به صورت ناگهانی و همراه با نارضایتی از وضع موجود است. (عمرانی درگاهی، ۱۳۸۱، ص ۴۸)

شهید مطهری انقلاب را چنین تعریف می‌کند: «وضع‌ی را با اراده خود خراب کردن، برای رسیدن به وضع بهتر» یا «واژگون کردن وضع حاکم برای برقراری نظم‌ی متعالی‌تر». ایشان در عین حال تأکید می‌کند که انقلاب‌ها خصلت صرفاً اجتماعی ندارند؛ بلکه ریشه در سرشت انسان‌ها دارند. (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۱۳)

لاکویر انقلاب را این‌گونه تعریف می‌کند: تلاش برای ایجاد و تحول بنیادین در سیستم حکومت (لاکویر، ۱۳۷۸، ص ۹۱). به گفته گلدستون، انقلاب تسخیر غیرقانونی و معمولاً خشونت‌آمیز قدرت است که موجب تحول اساسی در نهادهای حکومت می‌شود. (گلدستون، ۱۳۷۵، ص ۸۲)

شهید مطهری معتقد است: انقلاب روحی، مقدمه انقلاب اجتماعی است. به نظر وی، ابتدا انقلاب روحی در مردم ایران صورت گرفت و بعد انقلاب اجتماعی به وقوع پیوست. به تعبیر دیگر، انقلاب ایران با پیروی از آیه (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) (رعد، ۱۱) در برابر ظلم و جور قیام کرد. بنابراین، امکان ندارد مردم یک جامعه قیام کنند و نظام اجتماعی حاکم را دگرگون سازند، بدون اینکه در درون خودشان انقلابی صورت گرفته باشد.

۲. تعلق ژئوپلیتیکی

تعلق ژئوپلیتیکی عبارت است از مکمل‌های فضایی و جغرافیایی مفروض در ماورای مرزها که به لحاظ ساختاری از تجانس برخوردار است و به لحاظ کارکردی، تأمین‌کننده نیازها و کاستی‌های یک کشور شمرده می‌شود. تعلق ژئوپلیتیکی، به نوعی زیربنای علایق و منافع ملی کشورها را تشکیل می‌دهد و ناظر به مواردی است که با تمام یا بخشی از ویژگی‌های طبیعی و انسانی کشور تجانس و همگونی دارند؛ یا مواردی‌اند که تأمین‌کننده نیازهای کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، ارتباطی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، علمی، فناوری، نظامی، امنیتی، حیثیتی یا زیست‌محیطی‌اند، و کشور به آنها دل‌بستگی و علاقه دارد. در قلمرو مفهوم تعلق ژئوپلیتیکی، فهرست گسترده‌ای را می‌توان تنظیم کرد که برای نمونه، می‌توان به یک گروه اقلیت هم‌کیش یا هم‌زبان و هم‌فرهنگ در کشور دیگر اشاره نمود. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰)

در خصوص ایران و از نقطه‌نظر جغرافیایی، مناطق استقرار شیعیان در بیشتر مناطق با محدوده مرزهای سیاسی کشور منطبق است؛ ولی در برخی مناطق، دنباله‌های قلمرو شیعه‌نشین به ماورای مرزهای سیاسی ایران کشیده می‌شود. آنها را از نقطه‌نظر ژئوپلیتیکی، می‌توان مکمل‌های ژئوپلیتیکی ایران در نظر گرفت که به حوزه نفوذ ایران تعلق دارند (حافظ‌نیا و احمدی، ۱۳۸۸، ص ۷۸)

شیعیان کشورهایمانند عراق، بحرین و عربستان، حاشیه ساختار فضایی شیعه به‌شمار می‌روند و تحت تأثیر مرکز (ایران) قرار دارند و به‌طور طبیعی بخشی از علایق ژئوپلیتیک ایران قلمداد می‌شوند. (احمدی و موسوی، ۱۳۸۹، ص ۲)

۳. قلمرو ژئوپلیتیکی

قلمرو ژئوپلیتیکی عبارت است از فضای جغرافیایی و انسان‌ها و جوامع مربوط که در حوزه نفوذ و تأثیرگذاری یک یا چند متغیر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، تجاری، فناوری و رسانه‌ای کشور یا بازیگر قدرتمند قرار دارد. کشورها، سرزمین‌ها و فضاهای جغرافیایی پیرامونی که در حوزه نفوذ کشور مرکز (قطب) قرار دارند، قلمرو ژئوپلیتیکی آن نامیده می‌شود. قلمرو و حوزه نفوذ نیز شامل

تعدادی کشور یا جامعه تابع است که از اراده مرکز یا بازیگر و ارزش‌های آن متأثرند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴) قلمرو ژئوپلیتیک که از آن به «حوزه نفوذ» یاد می‌شود، قلمرویی است که حق برتری سیاسی یا اقتصادی یک کشور در آن به رسمیت شناخته شده باشد؛ هرچند مقدار کاربرد قدرت آن کشور بر آن قلمرو، اندک باشد. (روشن و فرهادیان، ۱۳۸۵، ص ۹۴)

هر قلمرو ژئوپلیتیکی دارای یک نقطه یا کانون مرکزی، و یک فضای پیرامونی است. نقطه یا کانون مرکزی، همان کشور یا بازیگر قدرتمند مرکزی است که در جایگاه مدیریت و رهبری قلمرو قرار دارد و اراده خود را بر آن فضا یا قلمرو تحمیل می‌کند و ارزش‌های متنوع مورد نظر خود را در آن قلمرو انتشار می‌دهد. قلمروهای ژئوپلیتیکی، مرزهای جغرافیای سیاسی کشورها را درمی‌نوردند و به عبارتی، فرامرزی‌اند. ارزش‌ها و مزیت‌های کشورها، در فضاهای جغرافیایی فراتر از مرزهای آنها انتشار می‌یابند. انتشار آنها نیز، هم به صورت رسمی و هم به صورت غیررسمی انجام می‌پذیرد. با گسترش تعاملات همه‌جانبه و روابط بین‌الملل، همچنین گسترش فناوری اطلاعات و ابزارهای رسانه‌ای جدید، قلمروهای ژئوپلیتیکی و حوزه‌های نفوذ به سرعت شکل می‌گیرند. به عبارتی، آنها از پویایی زیادی برخوردارند. بنابراین، ترسیم نقشه ژئوپلیتیکی جهان، برخلاف نقشه جغرافیای سیاسی جهان، کاری بس دشوار است؛ زیرا مرزهای ژئوپلیتیکی، دینامیک، پویا و بی‌ثبات‌اند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵)

نکته قابل توجه اینکه قلمرو ژئوپلیتیک و میدان اثرگذاری و نقش‌آفرینی یک واحد سیاسی، محصول توان و قدرت ملی آن است. (قوام، ۱۳۷۰، ص ۸۸) این قابلیت‌ها و توانایی‌ها ممکن است از یک عامل سیاسی، نظامی یا اقتصادی منتج شود. همچنین ممکن است ریشه این قابلیت‌ها و توانایی‌ها به یک عامل اعتقادی، دینی، اجتماعی و مانند آنها برگردد؛ به هر حال، ایجاد و گسترش قلمروهای ژئوپلیتیک، برای کشورها امری ضروری است؛ از همین روی، در نظام جهانی، کشورها برای پیشبرد اهداف داخلی و خارجی خود (مادی و غیرمادی)، می‌کوشند کشورها و جوامع دیگر را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهند. (روشندل، ۱۳۷۴، ص ۹۳)

۴. ساختار روابط ژئوپلیتیک

ساختار روابط ژئوپلیتیک بازتاب‌دهنده الگوهای رابطه بین کشورها بر اساس سطح قدرت آنهاست. این ساختار به سه دسته تقسیم می‌شود:

- قدرت درجه یک، با الگوی رابطه یک‌سویه سلطه از بالا؛

- قدرت درجه دو، با الگوی دوسویه سلطه و زیرسلطه؛

- قدرت درجه سه با الگوی رابطه یک‌سویه سلطه و نفوذپذیر.

ساختار روابط ژئوپلیتیک تا اندازه‌ای به الگوی والرش‌تاین شباهت دارد. او با تأکید بر اقتصاد، سه بخش مرکز، نیمه‌پیرامون و پیرامون را در روابط بین کشورها مشخص کرد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴، ص ۱۳۱)

بر اساس این الگو، اگرچه ایران قدرتی منطقه‌ای شمرده می‌شود و در منطقه نیمه‌پیرامون قرار دارد، اما از نظر عامل فرهنگ و تمدن ایرانی، به‌ویژه متغیر تشیع، به‌صورت مرکزی در میان پیرامونی‌های خود عمل می‌کند. سه کشور عراق، بحرین و آذربایجان، که شیعیان در آنها اکثریت دارند، نیمه‌پیرامون ایران شمرده می‌شوند و دیگر کشورهای دارای جمعیت شیعه، مانند لبنان، پاکستان، عربستان و یمن که پیوستگی سرزمینی با ایران ندارند یا شیعیان در آن اکثریت بالایی ندارند، قلمرو پیرامون به‌شمار می‌آیند. در هر حال، ایران، هم در کانون جغرافیایی قلمرو یادشده قرار دارد و هم کانون ژئوپلیتیک منطقه شیعه‌نشین شمرده می‌شود؛ بنابراین، به شکل طبیعی می‌تواند در موقعیت رهبری این قلمرو فضایی قرار گیرد. نکته قابل ملاحظه اینکه این مرکز به دنبال استثمار و بهره‌کشی از پیرامون و نیمه‌پیرامون نیست؛ چراکه دلیل اصلی شکل‌گیری آن، عامل اعتقادی و غیرمادی است. (حافظ‌نیا و احمدی، ۱۳۸۸، ص ۸۰)

۵. ژئوپلیتیک شیعه

امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان، در کشورهای گوناگون خاورمیانه بزرگ با مرکزیت ایران است. در واقع کمربندی از تشیع، حیات اقتصادی، استراتژیکی و تاریخی اسلام را دربر می‌گیرد و بخش‌هایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران،

افغانستان و پاکستان را می‌پوشاند. این کمر بند، که در کشورهای گوناگون، به اکثریت و اقلیت تقسیم می‌شود، خود دنیایی است که تاثیرات گوناگون در آن به سرعت انتقال می‌یابد. (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۵۴)



نقشه ۱. نمایی از پراکندگی شیعه و سنی (Nasr، ۲۰۰۶، ص ۴۷)

۶. جغرافیای شیعیان عربستان

در نگاهی تاریخی، شیعه در کشور عربستان سعودی در حاشیه نظام سیاسی قرار دارد. شیعیان این کشور پس از شیعیان عراق، بزرگ‌ترین جامعه شیعی عرب را در خلیج فارس تشکیل می‌دهند؛ اما مشارکت آنان در جامعه سنی، از تمام شیعیان عرب کمتر است. آنها بسیار محروم‌اند؛ به این معنا که تنها شیعیانی هستند که نه تنها از تبعیض در عمل، بلکه از تبعیض‌های قانونی در این کشور رنج می‌برند و تقریباً به کلی از اظهار علنی سنن مذهبی خود محروم‌اند. در واقع، در بین همه شیعیان جهان عرب، شیعیان عربستان سعودی حقیقتاً «مسلمانان فراموش شده» اند. (فولر و فرانکه، ۱۳۸۸، ص ۳۶)

شیعیان عربستان، بیشتر در استان شرقی طهران و در شهرهای قطیف و احسا سکونت دارند. البته افزون بر این مناطق، در مناطق شمالی و جنوبی این کشور نیز اقلیت شیعه موجود است. منطقه شرقی عربستان که اکثریت شیعیان در آنجا زندگی می‌کنند، از نظر وسعت، حدود ۷۵۹۲۶۸ کیلومتر مربع است که در بین چهارده منطقه‌ای که عربستان را تشکیل می‌دهند، از همه گسترده‌تر است؛ و از لحاظ جمعیت، بعد از مکه و ریاض قرار دارد. منطقه شرقی از ثروت‌های طبیعی، مانند نفت و محصولات متعدد کشاورزی برخوردار است؛ لیکن یکی از محروم‌ترین نواحی این کشور شمرده می‌شود. افزون بر این مناطق، شیعیان در مناطق دیگر عربستان نیز حضور دارند؛ اما جمعیتشان در اقلیت است. از سوی دیگر، موقعیت جمعیتی شیعیان، پیرو موقعیت جغرافیایی قابل ارزیابی است. به این معنا که گفته می‌شود عربستان سعودی بین دوازده تا چهارده میلیون نفر جمعیت دارد که با احتساب هفت میلیون نفر اتباع کشورهای دیگر شاغل در عربستان، این کشور تقریباً بین ۲۰ تا ۲۲ میلیون نفر جمعیت دارد که جمعیت شیعیان در حال حاضر، دو میلیون و هفتصد هزار نفر است. (فؤاد ابراهیم، ۱۳۸۶، ص ۴۵)

شیعیان با دارا بودن مبانی عقیدتی، دینی، اخلاقی و سیاسی متفاوت با حکومت عربستان سعودی و بهره‌مندی از ظرفیت سیاسی، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین گروه مخالف با پادشاهی عربستان به‌شمار می‌روند. در واقع، همواره مقامات رسمی عربستان به دلایل سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اقتصادی، تعداد شیعیان استان شرقی عربستان را کمتر از میزان واقعی اعلام کرده‌اند؛ از این رو، آخرین آمار منتشرشده درباره جمعیت شیعیان این منطقه، قابل اعتماد نیست. یکی از گروه‌های ضدشیعه عربستان، آمار شیعیان این کشور، اعم از اسماعیلیان و زیدی‌ها را ۹۷۰۵۴۲ نفر اعلام کرده که این آمار معرف پنج درصد از جمعیت ۱۹/۴۰۹/۰۵۸ نفری عربستان است. (www.noorportal.net)

بیشتر جمعیت شیعیان عربستان سعودی، به‌ویژه در منطقه شرقی، امامی‌مذهب‌اند. افزون بر آنها، فرقه اسماعیلیه نیز در جنوب ساکن‌اند و گزارش‌ها

درباره تعداد آنها متفاوت است. شیعیان زیدی نیز در مناطقی در جنوب (عسیر، جیزان و نجران) و غرب (جده و ینیع) پراکنده‌اند و گزارشی درباره تعدادشان وجود ندارد. شیعیان امامی، پیرو تنها یک مرجع دینی نیستند؛ بعضی مقلد آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر عالی جمهوری اسلامی ایران، برخی مقلد آیت‌الله سیستانی در عراق، و بعضی دیگر نیز مقلد آیت‌الله شیرازی در قم، آیت‌الله محمدتقی مدرسی در کربلا و آیت‌الله محمدحسین فضل‌الله در لبنان‌اند. (فؤاد ابراهیم، ۱۳۸۶، ص ۲۳)

منطقه‌ای که شیعیان عربستان سعودی در آن زندگی می‌کنند، به چند لحاظ اهمیت دارد: نخست اینکه این منطقه از جمله مناطقی است که بیشترین و بزرگ‌ترین حوزه‌های نفتی کشور و جهان را در خود جای داده و این خود یک امتیاز برای شیعیان عربستان نسبت به دیگر مردم عربستان است؛ دوم اینکه شیعیان این استان از لحاظ امنیت بین‌المللی و تجارت جهانی، نقش بسزایی بر ثبات اقتصادی کشور دارند؛ و سوم اینکه شیعیان عربستان در نزدیکی سه کشوری هستند که اکثر آنها شیعه‌اند؛ یعنی ایران و عراق و بحرین؛ و با آنها رابطه دارند. (همان)

شیعیان عربستان پس از عراق بزرگ‌ترین جمعیت شیعه منطقه خلیج فارس را تشکیل می‌دهند و در جهان عرب نیز پس از لبنان و عراق، بزرگ‌ترین جمعیت شیعه شمرده می‌شوند. با توجه به جمعیت و موقعیت استراتژیک شیعیان عربستان، این طیف در عرصه سیاسی عربستان و به‌طور کلی در منطقه، نقش تعیین‌کننده و تأثیرگذاری ایفا می‌کند. (بهرام‌شاهی، ۱۳۸۷، ص ۴۶)

تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاسی شدن شیعیان عربستان

ظهور شیعه سیاسی در عربستان

با تأسیس پادشاهی سعودی و اقدامات ضدشیعی آن، شیعیان عملاً جایگاه اجتماعی و اقتصادی خود را از دست دادند و تحت فشارهای شدید قرار گرفتند. در این شرایط، دیگر آنها در سمت‌های مدیریتی جایی نداشتند و در گارد ملی و پلیس نیز اصلاً به کار گرفته نمی‌شدند؛ اما تحمل این شرایط سبب نشد تا آنها به مقاومت علنی در برابر رژیم سعودی برخیزند و خواستار تغییر وضعیتشان شوند. (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۳)

بالا گرفتن شعله‌های انقلاب اسلامی در ایران و رهنمودهای امام خمینی علیه السلام موجب تبلور ساختار و رهبری سیاسی شیعیان عربستان سعودی شد و آنها با نفوذ معنوی امام و آگاهی از حقوق خود، رفته‌رفته از دوره خمود و بی‌تفاوتی بیرون آمدند و بر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود افزودند. نیروی الهام‌بخش انقلاب موجب شد تا در شیعیان عربستان، خواست حقوق و آزادی‌های گسترده‌تر مذهبی جوانه بزند و تحت این شرایط، نسل جدیدی از رهبران شیعه به وجود آید که در آینده، منشأ تحولات گسترده شوند. (احمدی لفورکی، ۱۳۸۶، ص ۱۶)

تأثیرات انقلاب اسلامی بر سیاسی شدن شیعیان جهان را می‌توان در حوزه‌های

زیر بررسی کرد:

۱. هویت‌یابی و خودآگاهی شیعیان؛
 ۲. شکل‌گیری یا تقویت سازمان‌های شیعی؛
 ۳. رفتارهای سیاسی - عاطفی شیعیان نسبت به انقلاب اسلامی؛
 ۴. نقش‌آفرینی شیعیان در ساختار سیاسی کشورها. (حافظ‌نیا و احمدی، ۱۳۸۸، ص ۹۹)
- با توجه به اینکه شیعیان عربستان نقش پیرامونی اثرپذیری از انقلاب اسلامی ایران در این حوزه‌ها داشته‌اند، به بررسی وضعیت آنها در این حوزه‌ها می‌پردازیم.

یافته‌های تحقیق

۱. هویت‌یابی و خودآگاهی شیعیان عربستان بر اثر وقوع انقلاب اسلامی ایران تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی، شیعیان به صورت آتشی زیر خاکستر پنهان بودند. وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ بی‌تردید به هویت‌یابی، خودآگاهی و معرفی شدن شیعه انجامید. (ملکوتیان، ۱۳۸۱، ص ۲) با پیروزی انقلاب اسلامی که هویتی دینی داشت و بر پایه آموزه‌های شیعی بنا شده بود و رهبری آن را عالمی دینی از مراجع تقلید شیعه بر عهده داشت، به تدریج تشیع کانون توجه قرار گرفت. (حافظ‌نیا و احمدی، ۱۳۸۸، ص ۸۳)

با پیروزی انقلاب اسلامی، شیعیان در کشورهای مختلف احساس کردند در ایران حکومتی شیعی به قدرت رسیده است که توان بالایی برای حمایت از آنان در سطح داخلی و خارجی و در میان جوامع عمدتاً سنی‌مذهب دارد. (نعیمیان، ۱۳۸۴، ص ۶۷)

آنان مفاهیم ارزش‌هایی چون ایثار، تلاش برای آزادی و استقلال، ولایت، شهادت، زیر بار ظلم نرفتن، مبارزه با هواهای نفسانی و بسیاری از ارزش‌های دیگر را در ابعادی گسترده‌تر و معنای واقعی آن، از مردم انقلابی ایران آموختند. (فراستی، ۱۳۸۱، ص ۸۷)

در عربستان نیز به دنبال انقلاب اسلامی در ایران، چالش‌های چندجانبه‌ای بروز کرد و این کشور را با سخت‌ترین خطرات در قرن بیستم روبه‌رو ساخت؛ چالش‌های مذهبی، ایدئولوژیکی و عملی برای مشروعیت حاکمیت خاندان آل سعود. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، فصل ممیزی در رابطه میان شیعه و نظام سعودی ایجاد کرد؛ چراکه روحیه انقلابی را به شیعیان سعودی القا و رویکردهای ضد حکومت آل سعود را تحکیم و تقویت نمود. (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۷۴)

ساختار و رهبری سیاسی فعال‌تری که بر سیاست شیعی سعودی حاکم شد، در خارج از کشور عربستان متبلور گردید. برجسته‌ترین این روندها، فراخوانی برای قدرت و اقتدار بیشتر فقها (ولایت فقیه) بود که توسط امام خمینی علیه السلام تدوین شد. (توال، ۱۳۸۳، ص ۳۵)

اسلام سیاسی و شیعی ایران، خیلی زود بر عربستان تأثیر گذاشت. پس از انقلاب اسلامی ایران، شورشی در عربستان ابتدا در میان شیعیان ایالات شرقی این کشور، در منطقه میدان‌های نفتی آغاز شد و مردم با پخش اعلامیه‌هایی در مساجد، به خانواده سلطنتی حمله کردند و آشکارا به مخالفت با خاندان حاکم پرداختند؛ به‌گونه‌ای که برای نخستین بار در این حکومت به اصطلاح اسلامی، موضع دولت به‌عنوان حامی اسلام شکسته شد. احساسات و اعتراضات سرکوب‌شده شیعیان، که از تبعیض حکام سنی وهابی آزرده‌خاطر و خواهان توزیع عادلانه‌تر امکانات، درآمد نفت و خدمات عمومی بودند، در پاسخ به انقلاب اسلامی ایران و به نشانه سپاس از پیروزی امام خمینی علیه السلام فوران کرد. (اخبار شیعیان، ش ۳۶، ۱۳۸۷، ص ۵۰)

اریک رولو، مفسر روزنامه معروف و پرشمار «لوموند»، در این باره می‌نویسد: شورشیان شیعه به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در پی حرکت در مکه، دل و جرئت بیشتری پیدا کردند و روز ۲۷ نوامبر ۱۹۷۹م، مراسم روز عاشورا را که در عربستان سعودی ممنوع است، برگزار کردند. جمعیت که عکس‌های امام خمینی علیه السلام را در دست داشتند، به سوی قطیف و احسا و دیگر آبادی‌های ایالت شرقی حرکت کردند و در درگیری‌های به وجود آمده با گارد ملی، ۳۶ تن از آنان کشته شدند. جمعیت، سه روز تمام در حال طغیان بود. آنها بانک‌ها و مؤسسات دیگر را به آتش کشیدند و بر ضد رژیم سلطنتی شعار دادند و در اعلامیه‌ها مردم را به سرنگونی رژیم سعودی فراخواندند. دلیلت هیرو، روزنامه‌نگار پاکستانی، نخستین بازتاب‌های انقلاب اسلامی را در مناطق نفتی و شیعه‌نشین عربستان چنین شرح می‌دهد: در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹م گروه عظیمی از شیعیان، متشکل از چهارصد هزار نفر، تحریم طولانی عزاداری عاشورا را شکستند و این برای مسئولان زنگ خطری بود. مراسم عاشورا همراه با تظاهرات، در هشت شهر منطقه نفتی برگزار شد. پس از این وقایع بود که سازمان انقلاب اسلامی شیعیان شبه‌جزیره عربستان پدیدار گشت. (همان)

دو رویداد مهمی که پس از انقلاب اسلامی ایران، عربستان را به لرزه درآورد، نخست قیام شیعیان و دیگری حادثه تسخیر مسجدالحرام بود. وقوع انقلاب اسلامی تأثیر مستقیمی در مناطق شیعه‌نشین این کشور داشت؛ از جمله اینکه شیعیان برای نخستین بار مراسم سوگواری خود را در ایام محرم علنی کردند. مردم ایالت شرقی نیز در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹م دست به راهپیمایی زدند. در شهر قطیف هم نزدیک به سی هزار نفر تظاهرات کردند؛ ولی با واکنش دولت مواجه شدند. با این حال، نارضایتی شیعیان این مناطق همچنان تداوم یافت و شیعیان این کشور در چند گروه و سازمان، به مخالفت با دولت عربستان ادامه دادند. حادثه دیگری که هم‌زمان با انقلاب اسلامی ایران در عربستان اتفاق افتاد، واقعه تسخیر مسجدالحرام توسط ابن‌سیف العتیبی سنی بود. حسنین هیکل این حادثه را یکی از خارق‌العاده‌ترین حوادث اخیر در تاریخ خاورمیانه می‌داند که به‌طور مستقیم از انقلاب اسلامی ایران ناشی شده است. (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۷۷)

رژیم سعودی به منظور خاموش کردن موج نارضایتی مناطق شیعه‌نشین، برای توسعه اقتصادی، نظام آموزشی و دیگر خدمات رفاهی منطقه بودجه سنگینی تعیین کرد. بدین ترتیب، در مدتی کوتاه (۱۹۸۰-۱۹۸۵) این منطقه متحول شد. احداث جاده، تأسیس مدرسه، بیمارستان و مراکز خرید، واگذاری اراضی، پرداخت وام به مردم، و راه‌اندازی شبکه آب و فاضلاب، از جمله اقدامات دولت در این دوره بود. با این حال، هدف رژیم از این اقدامات صرفاً کنترل مناطق هم‌جوار با چاه‌های نفت بود و تبعیض و بی‌عدالتی، همچنان در اشکال و قالب‌های مختلف ادامه یافت. (بهرام شاهی، ۱۳۸۷، ص ۱۶)

ظهور جنبش سنی اخوان در عربستان سعودی و تلاش برای تصرف مسجدالحرام و سرنگونی رژیم حاکم بر حجاز، آغاز ناآرامی‌های شیعی در مناطق نفت‌خیز شرق عربستان، و آغاز فعالیت گروه‌های اسلامی در کشورهای عربی خلیج فارس، همگی نشان از تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر منطقه و بیداری مسلمانان، به‌ویژه شیعیان است. (اخبار شیعیان، ش ۳۶، ۱۳۸۷، ص ۵۰)

۲. شکل‌گیری یا تقویت سازمان‌های شیعی در عربستان

یکی از شاخص‌هایی که با آن می‌توان تأثیر انقلاب اسلامی را بر سیاسی شدن شیعیان عربستان بررسی کرد، شکل‌گیری یا تقویت سازمان‌های شیعی است. سازمان یا گروه سیاسی شیعی در عربستان به شکل قانونی فعالیت ندارد؛ اما تعدادی سازمان‌ها و شبکه‌های غیررسمی هستند که مطالبات و حقوق شیعیان را دنبال می‌کنند. این سازمان‌ها عبارت‌اند از:

۲-۱. سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب

این سازمان، همان «حرکت اصلاح اسلامی شیعه» (الحركة الاصلاحية) است که چند ماه پیش از اعتراض سال ۱۹۷۹م توسط شیخ حسن الصفار، رهبر این سازمان، تغییر نام داد. سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب در سال ۱۹۷۰م و در نتیجه مبارزات شیعیان عربستان شکل گرفت و تا سال‌ها فعالیت‌های آن به‌صورت پراکنده بود. این

سازمان، به تغییر شکل اقتدار سیاسی و مذهبی شیعه در اواخر دهه هفتاد میلادی کمک کرد. این تشکل در سال ۱۹۷۵م فعالیت‌های خود را در منطقه شیعه‌نشین شرقی متمرکز ساخت و پس از قیام کعبه و مناطق شرقی، رسماً اعلام موجودیت کرد. این سازمان تلاش داشت تا مبارزات خویش را با وسایل ممکن و از راه‌های مؤثر ادامه دهد. بنابراین به بسیج مردم و سازمان دادن نیروهای آنها پرداخت. این سازمان از آنجا که بر اساس ایدئولوژی اسلامی طرح‌ریزی شده بود، می‌کوشید تا در وهله نخست، به مردم آگاهی سیاسی بدهد و آنها را از وضعیت بسیار وخیم و اسفبار خود و استبداد و وابستگی رژیم حاکم آگاه سازد و به شیوه مبارزه مسلحانه هم اعتقادی نداشت. (زراعت‌پیشه، ۱۳۸۴، ص ۲۰۵)

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و افزایش انتقادات از خاندان سعود، صفار و یارانش اهمیت و برجستگی بیشتری یافتند و شیعه سیاسی به نیروی قوی که کنترل کمی بر آن اعمال می‌شد، تبدیل گردید. صفار و همراهانش با تأثیر گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، خلأ داخلی تعداد زیادی از جوانان شیعه را پر کردند و آنها را به حمایت از پیام‌هایی که مستقیماً رژیم را به چالش می‌طلبید، ترغیب کردند. آنها شکایات و تظلمات مذهبی شیعه و جامعه شیعی را مطرح کردند و سرانجام در سال ۱۹۷۹م، مهم‌ترین نافرمانی عمومی مدنی شیعیان عربستان را در قرن بیستم به‌راه انداختند. (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۸)

در پی پیروزی انقلاب اسلامی ایران در فوریه سال ۱۹۷۹م، فضای سیاسی، روانی و اجتماعی استان شرقی عربستان به‌طور عمیق متحول شد؛ زیرا به واسطه انقلاب ایران حمیت سیاسی شیعیان این منطقه و دیگر مناطق جهان اسلام به‌شدت برانگیخته شد. رهبران جنبش مبلغان، با الهام از انقلاب اسلامی ایران کوشیدند نفوذ خود را در کشورهای حوزه خلیج فارس گسترش دهند. در حقیقت، پیروزی انقلاب اسلامی ایران فرصتی طلایی را برای جنبش فراهم آورد تا پایگاه مردمی خود را تقویت و آرمان‌های انقلابی‌اش را ترویج کند. از سوی دیگر، در پی این انقلاب، جنبش به یک سلاح ایدئولوژیک مؤثر مسلح شد تا با گروه‌های رقیب خود، یعنی محافظه‌کاران و انزواطلبان سیاسی، مبارزه کند. در واقع، با بروز انقلاب اسلامی ایران،

اوضاع به نفع جنبش رقم خورد تا اهداف خود را عملی سازد. ایدئولوژی سیاسی سازمان انقلاب اسلامی دارای دو رکن اساسی است که عبارت‌اند از: انقلاب اسلامی و جهان‌گرایی. (بهرام‌شاهی، ۱۳۸۷، ص ۱۶)

شهادت، مهم‌ترین مبحث ایدئولوژیک سازمان انقلاب اسلامی جزیره‌العرب را تشکیل می‌دهد. این سازمان با الهام از موفقیت جنبش امام خمینی علیه السلام و تعالیم نظریه‌پردازان جنبش، از حمایت مردمی برخوردار شد. (همان)

آنها در زمان حیات امام خمینی علیه السلام کسی را بجز ایشان شایسته رهبری امت مسلمان نمی‌دانستند. آنان در کل، مواضع ایران را پذیرفته‌اند و از آن الگوبرداری می‌کنند. به واسطه فعالیت‌های الصغار، مراسم عاشورا آشکارا برگزار شد؛ البته برگزاری این مراسم، تنها در روستاها و شهرهای شیعه‌نشین امکان‌پذیر است؛ نه مراکزی مانند دمام که دارای ترکیب جمعیتی شیعه و سنی است. (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۵)

۲-۲. حزب‌الله عربستان سعودی

حزب‌الله عربستان سعودی، معروف به حزب‌الله حجاز یا پیروان خط امام (انصار خط الامام)، دومین گروه مهم سیاسی شیعیان در عربستان سعودی به‌شمار می‌آید که به پیروی از خط امام خمینی علیه السلام شناخته می‌شوند. گفته می‌شود که این گروه نام خود را از دانشجویان پیرو خط امام که سفارت آمریکا را در تهران در سال ۱۹۷۹ م به تصرف درآوردند، برگرفته است. این گروه در سال ۱۹۸۷ میلادی، توسط تنی چند از روحانیون برجسته شیعه تأسیس شد. از نظر سازمانی، حزب‌الله عربستان تحت رهبری یک روحانی قرار دارد که رهبرانش از منطقه شرقیه آمده‌اند؛ از این رو حزب‌الله عربستان، سازمانی سیاسی - مذهبی است که از اصل ولایت فقیه حمایت و پیروی می‌کند؛ در حالی که «سازمان انقلاب اسلامی جزیره‌العرب» به نظارت و دخالت یک روحانی بر امور سیاسی توجهی ندارد و رویکرد سازشکارانه را سرلوحه اقدامات خود قرار داده است. حزب‌الله عربستان با این روند کاملاً مخالف بوده و به خاندان حاکم و حکومت به‌طور کامل بی‌اعتماد است. (همان)

حزب‌الله پس از آشتی سازمان انقلاب اسلامی با حکومت، اهمیت بیشتری یافت و از سوی شیعیان عربستان با اقبال بیشتری روبه‌رو شد. مقر اصلی این حزب در لبنان قرار دارد و ارگان رسمی آن، مجله «رسالة الحرمين» است که در بیروت منتشر می‌شود. (زراعت‌پیشه، ۱۳۸۴، ص ۲۰۶)

۲-۳. جامعه علمای حجاز (جماعة علماء الحجاز)

این سازمان در دهه هشتاد میلادی قرن گذشته، به وسیله جمعی از طلاب و علمای شیعه عربستان تشکیل شد. مقر اصلی این گروه در لبنان و سوریه است و بیشتر، فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغاتی انجام می‌دهد. (گلیوند درویش‌وند، ۱۳۷۶، ص ۹۴)

علمای بزرگ عربستان، هر دو هفته یک‌بار تشکیل جلسه می‌دهند و به بررسی مهم‌ترین مسائل مربوط به شیعیان عربستان می‌پردازند و در امور مرتبط با اسلام و شیعیان در سرتاسر جهان فعالیت و اعلام موضع می‌کنند؛ برای نمونه، در جنگ لبنان بیانیه‌ای صادر کردند و حجم زیادی از کمک‌های شیعیان عربستان را جمع‌آوری کرده، به لبنان فرستادند. (www.howzeh.net)

اگرچه برخی از این تشکل‌ها در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی تأسیس شده بودند، اما بر اثر وقوع انقلاب اسلامی ایران و با الهام‌گیری از آن، به تقویت فعالیت‌های خویش پرداختند. (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹، ص ۱۸۷)

۳. رفتارهای سیاسی - عاطفی شیعیان عربستان تحت تأثیر انقلاب اسلامی

این بخش از مقاله نشان‌دهنده چند مورد از احساسات و عواطف شیعیان عربستان نسبت به انقلاب اسلامی ایران است. یکی از مواردی که می‌توان احساسات و عواطف مردم یک کشور را به کشور دیگری دید، تجمع‌ها و راهپیمایی‌هاست. شاید بهترین مثال در این زمینه، روز جهانی قدس باشد که به پیشنهاد حضرت امام خمینی علیه السلام و پذیرش مردم مسلمان، به‌ویژه شیعیان، هر ساله برگزار می‌شود. شیعیان اغلب تصاویری از مقامات ایرانی، به‌ویژه عکس‌هایی از امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای را با

خود حمل می‌کنند و بدین وسیله احساسات خود را درباره ایران نشان می‌دهند. (حافظ‌نیا و احمدی، ۱۳۸۸، ص ۹۴)

در عربستان نیز شیعیان احساسات خود را به انقلاب اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف نشان داده‌اند. برای نمونه، در روز ۲۷ نوامبر ۱۹۷۹م، در ضمن برگزاری مراسم روز عاشورا - که در عربستان سعودی ممنوع است - عکس‌های امام خمینی علیه السلام را در دست داشتند. (www.howzeh.net)

نمونه دیگر، مهاجرت و پناهنده شدن بسیاری از شیعیان بر اثر آزار و اذیت‌های دول حاکم بر کشورهای دارای جمعیت شیعه، به ایران است. علی‌المرزوق، فعال شیعی که از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳م زندانی بود، می‌گوید: پس از انقلاب اسلامی ایران، شیعیان تظاهرات کردند تا بتوانند روزهای تولد امامان خود را جشن بگیرند که در همین زمان، بسیاری از آنان دستگیر شدند. این مسائل به دستگیری و مهاجرت عده بسیاری انجامید. به این ترتیب، آنان به ایران پناهنده شدند. (اخبار شیعیان، ش ۳۶، ۱۳۸۷، ص ۵۰)

در بعد آموزش دینی نیز با توجه به وضعیت بسیار تبعیض‌آمیز و ظالمانه، رژیم سعودی آموزش دینی از پایین‌ترین سطوح تا سطوح عالی آن را، چه در مراکز دولتی و چه مراکز خصوصی، تحت نظارت و کنترل خود دارد. از این رو بسیاری از روحانیون تحصیلات خود را در ایران یا عراق می‌گذرانند و به عربستان باز می‌گردند. (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۴)

۴. نقش آفرینی شیعیان در ساختار سیاسی کشور عربستان

در کشوری چون عربستان سعودی که بنیان‌های مشروعیت آن بر پایه اصول وهابیت و اتحاد تاریخی با آن نهفته است، شیعه‌زدایی و ضدیت با شیعیان، همچون یک اصل است و از قرن هجدهم میلادی تا به امروز، شواهد تاریخی زیادی در این زمینه به چشم می‌خورد. (www.howzeh.net)

بر همین اساس، به کارگیری شیعیان در مناصب دولتی، از ابتدای دوران حکومت سعودی به چشم نمی‌خورد؛ اما پس از انقلاب اسلامی ایران و به‌صحنه آمدن شیعیان

برای ایجاد اصلاحات در حاکمیت سعودی، شیعیان در حد بسیار اندکی به ارگان‌های حکومتی راه پیدا کردند که بیشتر آنها جنبه مشورتی دارد.

اصلاحات سیاسی در عربستان سعودی، پس از نوشتن قانون اساسی در سال ۱۹۹۲م آغاز شد. ملک فهد، پادشاه اسبق عربستان سعودی، انتصاب دویست نفر را برای نمایندگی مجالس محلی در سرتاسر کشور تأیید کرد. در این میان، یک کرسی به یک نفر از شیعیان در مجلس مشورتی داده شد. این شورا نیز صرفاً وظیفه مشورتی دارد و سیاست‌گذاری در عربستان سعودی همچنان در دست دولت است که بیشتر تحت تسلط اعضای خانواده حاکم آل سعود قرار دارد.

نخستین انتخابات ملی عربستان سعودی در عرض چهار دهه در تاریخ ۳ مارس ۲۰۰۵م، برای شیعیان به‌مثابه ظهور حزبی متنوع بود. اگرچه پست‌های رده‌پایین حکومتی در دسترس قرار گرفته بود و صرفاً نیمی از کرسی‌ها را مردم می‌توانستند انتخاب کنند (و نیم دیگر را پادشاه انتخاب می‌کرد) صدها نفر در منطقه شرقیه برای تصاحب کرسی‌های شوراهای شهر، که مسئول نظارت بر بهداشت عمومی، حفظ و نگهداری از زیرساخت‌ها، جمع‌آوری زباله و دیگر امور مشابه بود، ثبت‌نام کردند. یک بانک‌دار از قطیف که در انتخابات رأی نیاورد، بعداً اظهار داشت: «برهه انتخابات، همانند مراسم عروسی بود. این مقطع درست شبیه یک بازی و سرگرمی بزرگ بود. مردم یک عطش و آرزوی بزرگ داشتند». این انتخابات، با مشارکت بالاتر شیعیان نسبت به هر منطقه دیگر عربستان، برگزار شد و از دوازده کرسی اختصاص داده‌شده به قطیف و الاحساء، یازده کرسی به شیعیان تعلق گرفت و تنها کرسی‌ای که از دست دادند، به دلیل احراز نشدن صلاحیت نامزد مورد نظر در آستانه انتخابات بود. (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۹۶)

با مطالعه سیر تحولات شیعیان در حکومت سعودی درمی‌یابیم که به‌کارگیری اندک آنها در ساختار حکومتی عربستان نیز از آثار تحولاتی است که انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان آن کشور داشته است.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در این مقاله بدان اشاره شد، تفسیر انقلابی از آموزه‌ها و مبانی نظری و اعتقادی شیعه توسط امام خمینی علیه السلام، ایدئولوژی انقلاب را در ایران مهیا کرد. وقوع انقلاب اسلامی ایران و تحقق عینی حاکمیت تشیع در ایران، افق‌های تازه‌ای به روی شیعیان منطقه، به‌ویژه شیعیان عربستان گشود؛ روحیه مبارزه با وضع موجود را به دیگر شیعیان القا کرد و در احیای هویت سیاسی شیعه مؤثر بود. از این‌رو، موفقیت اسلام شیعی در ایفای نقش ایدئولوژی انقلاب در ایران، تشیع را به‌عنوان مهم‌ترین کارگزار در سطح ژئوپلیتیک شیعه و حتی جهان اسلام مطرح کرده است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از جنبش‌ها، چه سنی و چه شیعی، انقلاب اسلامی ایران را الگوی خود برای مبارزه قرار داده‌اند.

شیعیان عربستان با مشاهده الگوی ایران، به نیرو و قابلیت نهفته خود پی بردند و در نتیجه، امیدوارانه به سوی ارتقای خود برای حل مشکلات گوناگونی که با آن دست به‌گریبان بودند، گام برداشتند. بی‌تردید، انقلاب اسلامی ایران امیدها و آرزوهای تازه‌ای در میان شیعیان عربستان برانگیخت. بر اثر نارضایتی‌هایی که از مدت‌ها پیش وجود داشت، در اواخر سال ۱۹۷۹م شورش شدید و گسترده شیعیان در ایالات شرقی آغاز شد. پس از انقلاب اسلامی ایران و شروع ناآرامی‌ها، شیعیان در حد بسیار اندکی به شئون اجتماعی خود در جامعه عربستان دست یافتند و به ارگان‌های حکومتی راه پیدا کردند که بیشتر آنها جنبه مشورتی دارد.

اثرگذاری انقلاب اسلامی ایران (مرکز ژئوپلیتیک) بر شیعیان عربستان (پیرامونی) را می‌توان در چهار حوزه هویت‌یابی و خودآگاهی شیعیان عربستان، شکل‌گیری یا تقویت سازمان‌های شیعی در عربستان، رفتارهای سیاسی و عاطفی شیعیان عربستان نسبت به انقلاب اسلامی ایران، و حضور شیعیان در ساختارهای حکومتی عربستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بررسی کرد و نمونه‌های عینی آن را مشاهده نمود.

البته مقدار اثرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان عربستان در این حوزه‌ها، در مقایسه با کشورهای دیگری که در حوزه ژئوپلیتیکی شیعی ایران قرار دارند، کم‌رنگ‌تر است. حضور وهابیت در عربستان سعودی - که دشمنی خود را با شیعیان به اثبات رسانده است - همچنین نظارت شدیدی که حکومت سعودی بر شیعیان دارد، از جمله دلایل کم‌رنگ شدن حضور شیعیان در حوزه‌های یادشده است. این اثرگذاری، به‌ویژه در حوزه حضور در ساختار حکومتی، کمتر از حوزه‌های دیگر است که یکی از دلایل آن، وجود چهار هزار شاهزاده سعودی در بالاترین جایگاه‌های حکومتی در عربستان است. آنها تمام مسئولیت‌ها و مراکز قدرت را در اختیار خود دارند و بر سر تصاحب سمت‌های حکومتی رقابت شدیدی دارند. برای نمونه، تمام وزارتخانه‌های مهم، از قبیل دفاع، خارجه و کشور، به‌وسیله شاهزادگان اداره می‌شود. با نگاهی ژئوپلیتیک به مسائل ایران و تشیع، مشخص می‌شود که هر اقدامی در ایران، به‌منابه کانون مذهب شیعه، جوامع شیعی را که به حوزه نفوذ ایران تعلق دارند، متأثر می‌کند. وقوع انقلاب اسلامی در ایران که در مرکز ساختار ژئوپلیتیک شیعه قرار دارد، به سیاسی و تشکیلاتی شدن شیعیان عربستان که پیرامون مرکز شمرده می‌شوند، انجامید.

البته این تحرک شیعیان عربستان به سوی سیاسی شدن، باعث ایجاد مشکلات و گرفتاری‌های بسیار، و برخوردهای خشن حکومت با آنها شده است. موضع‌گیری‌های منفی دولت سعودی در مقابل سیاست‌های ایران و برخوردهای شدید با شیعیان این کشور را می‌توان یکی دیگر از دلایل اثرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان عربستان دانست.

منابع

* قرآن کریم.

۱. ابراهیم، فؤاد، **شیعیان عربستان**، ترجمه سلیمه دارمی و فیروزه میررضوی، تهران، انتشارات مؤسسه ابرار معاصر، ۱۳۸۶.
۲. احمدی، سیدعباس و الهام سادات موسوی، «جغرافیای شیعه و فرصت‌های ایران در قلمروهای شیعی جهان اسلام»، **مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جهان اسلام**، زاهدان، ۱۳۸۹.
۳. احمدی لفورکی، بهزاد، «جامعه شیعی در عربستان سعودی»، **هفته‌نامه پگاه حوزه**، شماره ۲۱۹، ۱۳۸۶.
۴. «انقلاب اسلامی ایران و واکنش شیعیان عربستان و آل سعود به آن»، **اخبار شیعیان**، شماره ۳۶، ۱۳۸۷.
۵. زراعت‌پیشه، نجف، **برآوردهای استراتژیک عربستان سعودی (سرزمینی - سیاسی)**، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴.
۶. بهرام‌شاهی، مهدی، «تأثیر انقلاب ایران بر جنبش‌های شیعی عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس»، **هفته‌نامه پگاه حوزه**، شماره ۲۴۹، ۱۳۸۷.
۷. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶: <http://www.leader.ir>
۸. بیانات مقام معظم رهبری در جمع مسئولان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، <http://www.leader.ir>: ۱۳۸۰/۱۱/۱۷
۹. توال، فرانسوا، **ژئوپولیتیک شیعه**، ترجمه کنایون باصری، تهران، ویستار، ۱۳۸۳.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا، **اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک**، مشهد، پاپلی، ۱۳۸۵.
۱۱. حافظ‌نیا، محمدرضا و احمدی، سیدعباس، «تبیین ژئوپولیتیک اثرگذاری انقلاب اسلامی بر سیاسی شدن شیعیان جهان»، **فصلنامه شیعه‌شناسی**، شماره ۲۵، ۱۳۸۸.
۱۲. حافظ‌نیا، محمدرضا، **وضعیت ژئوپولیتیک پنجاب در پاکستان**، تهران، الهدی، ۱۳۷۹.
۱۳. جمعی از نویسندگان، **انقلابی متمایز (جستارهایی در انقلاب اسلامی ایران)**، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۱۴. خمینی، سیدروح‌الله، **صحیفه نور**، ج ۱۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
۱۵. روشندل، جلیل، **امنیت ملی و نظام بین‌المللی**، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
۱۶. روشن، علی‌اصغر و نورالله، فرهادیان، **فرهنگ اصطلاحات جغرافیای سیاسی و نظامی**، تهران، دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۸۵.

۱۷. عمرانی درگاهی، علی، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در جهان، تهران، معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج سپاه، ۱۳۸۱.
۱۸. فاضلی‌نیا، نفیسه، ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۶.
۱۹. فولر، گراهام و فرانکه، رند رحیم، شیعیان عرب، مسلمانان فراموش‌شده، ترجمه خدیجه تبریزی، مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۶.
۲۰. فراتی، عبدالوهاب، انقلاب اسلامی و بازتاب آن، قم، زلال کوثر، ۱۳۸۱.
۲۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی، به اهتمام روح‌الله طالشی، تهران، شفیعی، ۱۳۸۰.
۲۲. قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، سمت، ۱۳۷۲.
۲۳. گلدستون، جک آ، انقلاب: گزیده مقالات سیاسی امنیتی، ترجمه مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی، ج ۲، تهران، بینش، ۱۳۷۸.
۲۴. گلبوند درویش‌وند، حسن، ساختار حکومت و بحران مشروعیت در عربستان سعودی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دیپلماسی سازمان‌های بین‌المللی، تهران، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶.
۲۵. لاکویر، والتر، انقلاب: گزیده مقالات سیاسی امنیتی، ترجمه مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی، ج ۱، تهران، بینش، ۱۳۷۸.
۲۶. محمدی، منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۷. مطهری، مرتضی، آینده انقلاب اسلامی ایران، چاپ بیست‌وهفتم، تهران، صدرا، ۱۳۸۷.
۲۸. ملکوتیان، مصطفی، «انقلاب اسلامی و حوزه نفوذ خارجی»، هفته‌نامه پگاه حوزه، شماره ۵۶، ۱۳۸۱.
۲۹. نعیمی‌ان، ذبیح‌الله، «انقلاب اسلامی و بازتاب آن بر پاکستان»، مجله معرفت، شماره ۹۸، ۱۳۸۴.
۳۰. نوازی، بهرام، صدور انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن، تهران، معاونت پژوهشی، انتشارات پژوهشکده امام خمینی (ع) و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
۳۱. یوسفی، محسن، مسئله شیعه در عربستان سعودی، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۶.
۳۲. یوسفی، محسن، اصلاحات سیاسی در عربستان سعودی (تأثیر بحران عراق بر تحولات سیاسی عربستان سعودی)، تهران، انتشارات مؤسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۶.

33. Nasr, Vali, **when the shiites rise**, Foreign Affairs, 2006

34. www. Khameneie.ir

35. www.howzeh.net

36. www.noorportal.net